

حسابداری سرقفلی + انواع و روش

سرقفلی و حسابداری سرقفلی دو مفهوم مجزا اما مرتبط با یکدیگر هستند. سرقفلی یعنی امتیاز خاصی که به یک ملک تعلق می‌گیرد و حسابداری سرقفلی یک فرایند محاسبه مالی است که مازاد درآمد نسبت به شرایط عادی برای یک بنگاه تجاری را محاسبه می‌کند. این دو مفهوم در پایه با یکدیگر پیوند دارند اما دو مقوله عملیاتی و اجرایی جداگانه هستند.

سرقفلی goodwill در حسابداری یکی از مواردی است که برای آن استانداردها و قوانین خاصی در نظر گرفته شده است. سرقفلی در حسابداری با آنچه در جامعه با عنوان سرقفلی شناخته می‌شود، متفاوت است. در فرهنگ عامه سرقفلی به مبلغی است که مستاجر یک ملک تجاری در ازای اجاره ملک پرداخت می‌کند. سرقفلی یک ملک تجاری شامل استفاده از اعتبار آن نیز می‌شود. مثلاً اگر فروشگاه پوشاک در یک محل باشد و اعتبار و شهرت خوبی به دست آورده باشد. زمانی که مستأجری به قصد استفاده از شهرت و اعتبار فروشگاه در فروش پوشاک برای اجاره ملک اقدام کند، مسئله سرقفلی مطرح می‌شود.

به عبارت ساده‌تر سرقفلی همان حق کسب و پیشه است که مستأجر برای استفاده از آن مبلغی را به صاحب کسب‌وکار پرداخت می‌کند تا با استفاده از اعتبار به‌دست‌آمده در آن کسب‌وکار به فعالیت بپردازد. اما در حالتی که این اعتبار به دست مستأجر ملک به دست آمده باشد نیز حق سرقفلی به مستأجر تعلق می‌گیرد و قانون در وضعیت به وجود

آمده از مستأجر حمایت می‌کند تا صاحب سرقفلی باشد.

در این شرایط اگر مستأجر با فعالیت خود اعتبار و شهرتی به دست آورده باشد و مالک قرارداد اجاره را تمدید نکند، قانون به مالک اجازه تصاحب سرقفلی به رایگان را نمی‌دهد و مالک باید حق سرقفلی را به مستأجر پرداخت کند. تمام حالت‌هایی که ممکن است به وجود آید، در قانون‌گذاری در نظر گرفته شده و برای آنها راه‌حلی نیز ارائه می‌شود.



سرقفلی در فرهنگ عامه

سرقفلی در حقوق یا فرهنگ عامه به مواردی مثل دسترسی داشتن به خیابان اصلی، قرارگرفتن ملک در محل پررفت‌وآمد، طول زیاد ملک، داشتن انبار مناسب و محل

مناسب برای ساخت ویتترین یا امتیازاتی در این‌گونه موارد گفته می‌شود که مستأجر چنین ملکی را نسبت به دیگر ملک‌های تجاری، صاحب امتیازات و احتمال فروش بیشتر نسبت به واحدهای تجاری مشابه می‌کند.

اما حسابداری سرقفلی عبارت است از مازاد ارزش جاری یک واحد تجاری تقسیم بر ارزش مجموع دارایی‌های آن واحد تجاری که شامل دارایی‌های مشهود و نامشهود می‌شود. به عبارت دیگر حسابداری سرقفلی یک دارایی است که مشهود و قابل لمس نیست. ماهیت این دارایی بدهکار است.

محاسبه مازاد ارزش جاری یک واحد تجاری زمانی ممکن می‌شود که نرخ بازدهی آن بیشتر از نرخ متعارف سود در واحدهای مشابه باشد. مثلاً اگر یک فروشگاه مواد غذایی یا پوشاک نسبت به فروشگاه‌هایی با وضعیت مشابه درآمد بیشتری داشته باشد، این میزان درآمد را مازاد ارزش جاری فروشگاه در نظر می‌گیرند.

این محاسبات در قوانین بین‌المللی با مناقشاتی همراه بوده است. با شروع این مناقشات در سال 1891 پیش‌نویس استاندارد شماره 22 کمیته استاندارد حسابداری منتشر شد که عنوان آن “حسابداری ترکیبی واحدهای تجاری” بود. سرقفلی در این پیش‌نویس مازاد قیمت خرید بر ارزش‌های تخصیص‌یافته به میزان خالص دارایی‌های به‌دست‌آمده، تعریف شده بود. در این پیش‌نویس پیشنهاد شد که سرقفلی به صورت سیستماتیک در طی عمر مفید خود مستهلک شود و خالص دارایی‌های به‌دست‌آمده در تقسیم‌بندی بدهی‌های احتمالی قرار گیرند. یعنی اگر میزان سرقفلی قابل شناسایی و محاسبه است.

استاندارد حسابداری شماره 38

در ایران استاندارد حسابداری شماره 38 به مقوله جزئیات حسابداری سرقتی می‌پردازد و تعریف ترکیب تجاری را ارائه می‌کند. ترکیب تجاری در این استاندارد یعنی در معامله یا هر رویداد دیگر که واحد تحصیل‌کننده در آن کنترل یک یا چند فعالیت را به دست می‌آورد. معاملاتی با عنوان “ادغام‌های واقعی” یا “ادغام معادل‌ها” نیز در این دسته از ترکیب تجاری قرار می‌گیرند و ذیل قوانین آن خواهد بود.

باید در نظر داشت که در تاریخ تحصیل این کنترل‌ها، واحد تحصیل‌کننده باید دارایی‌های قابل تشخیص به دست‌آمده، بدهی‌های تقبل‌شده و منابع فاقد حق کنترل را در واحد مورد نظر شناسایی و از سرقتی جدا کند.

انواع سرقتی

در حسابداری سرقتی دو نوع سرقتی داریم:

- سرقتی مثبت زمانی است که قیمت خرید یک شرکت یا بنگاه تجاری بیش از ارزش دفتری دارایی مشهود آن باشد.
- سرقتی منفی زمانی است که ارزش دفتری یک شرکت کمتر از قیمت خرید آن باشد.



محاسبه سرقتی در حسابداری

معادله حسابداری سرقتی در تاریخ تحصیل یک ملک، با اندازه‌گیری مازاد ارزش جاری بر خالص دارایی‌ها به دست می‌آید.

مازاد ارزش جاری

برای محاسبه مازاد ارزش جاری، معادل آنچه انتقال یافته اندازه‌گیری می‌شود. این مبلغ معمولاً ارزش منصفانه ملک تجاری در تاریخ انجام معامله است. در ادامه مبلغ هرگونه منافی که حق کنترل ندارند، طبق استاندارد 38 حسابداری محاسبه می‌شود و همچنین ارزش منصفانه منابع مالکانه قبلی واحد تحصیل‌کننده نیز در واحد تحصیل‌شده در زمان تحصیل محاسبه می‌شود.

این محاسبه باید بر اساس معیارهای منصفانه انجام شود و مابه‌ازای منصفانه برای هر کدام از موارد در نظر گرفته شود. هرگونه بدهی و منافعت طرفین محاسبه و اعلام شوند. منظور از مابه‌ازای انتقال‌یافته می‌تواند انواع مختلفی از دارایی شامل وجه نقد، سایر دارایی‌ها، فعالیت تجاری یا واحد تجاری فرعی، ابزار مالکانه عادی یا ممتاز، اختیار معاملات، امتیاز خرید سهام و حقوق اعضای واحدهای تجاری اشتراکی باشد.

خالص دارایی‌ها

منافع مالکانه در استاندارد 38 حسابداری که حسابداری سرقفی را نیز شامل می‌شود، موارد بسیار زیادی را تحت پوشش خود قرار داده است که مالکیت سرمایه‌گذاری و منافع مالک، اعضا یا مشارکت‌کنندگان واحدهای تجاری اشتراکی را در بر می‌گیرد.

در ادغام یا ترکیب تجاری تنها منافع مالکانه مبادله می‌شود. واحد تحصیل‌کننده باید مبلغ سرقفی را با استفاده از ارزش منصفانه منافع مالکانه واحد تجاری به‌دست‌آمده در تاریخ تحصیل را محاسبه و به جای ارزش منصفانه منافع مالکانه انتقال‌یافته در تاریخ تحصیل تعیین کند.



استهلاک سرقفلی

فرایند کاهش ارزش دفتری سرقفلی به مرور زمان را استهلاک سرقفلی می‌گویند. طبیعت سرقفلی در مستهلک شدن آن طی عمر مفید خود است. دوره استهلاک هر سرقفلی بستگی به شرایط موجود دارد و استهلاک سرقفلی در محاسبات به عنوان هزینه دوره شناسایی می‌شود. استهلاک سرقفلی را در پایان هر سال مالی محاسبه و ثبت می‌کنند.

حسابداری سرقفلی در ترازنامه

سرقفلی در حسابداری در دسته دارایی‌های نامشهود قرار می‌گیرد. این دارایی ارزش

اقتصادی دارد اما به صورت فیزیکی قابل لمس نیست. در ترازنامه سرقفلی را در دسته دارایی‌های نامشهود شرکت ثبت می‌کنند.

تفاوت سرقفلی و دارایی‌های نامشهود دیگر

سرقفلی فقط در هنگام خرید و فروش یک کسب‌وکار شناسایی می‌شود. در محاسبات نیز زمانی که قیمت پرداختی برای یک کسب‌وکار از ارزش خالص دارایی آن بیشتر باشد، مازادی به دست می‌آید که آن را سرقفلی می‌گویند. سرقفلی به صورت جداگانه قابل اندازه‌گیری نیست و بخشی از ارزش کلی یک واحد تجاری به شمار می‌آید.

اما دارایی نامشهود موارد زیادی را در بر می‌گیرد که به صورت جداگانه و مستقل قابل اندازه‌گیری و ثبت هستند. مثل برند، حق اختراع یا مجوزهای مختلف برای کسب و کار. این دسته از دارایی‌ها قابل تفکیک هستند و به تنهایی قابل ارزش‌گذاری و معامله نیز هستند.



روش‌های حسابداری سرقفلی

دو روش اصلی در حسابداری سرقفلی وجود دارد که عبارتند از روش استهلاک و کاهش ارزش سرقفلی.

روش استهلاک ارزش سرقفلی Goodwill Amortization

در این سیستم حسابداری سرقفلی، سرقفلی را یک دارایی نامشهود دارای استهلاک معرفی می‌کنند که ارزش آن طی یک دوره زمانی مشخص به مرور کاهش می‌یابد. برای هر دارایی نیز عمر مفیدی در نظر گرفته می‌شود.

در روش استهلاک سرقفلی ارزش سرقفلی به مرور زمان و به صورت منظم در طول

عمر مفید آن کاهش می‌یابد و هزینه آن در هر دوره به عنوان یک هزینه در سود و زیان شرکت ثبت می‌شود. عمر مفید سرقفلی را ثابت یا متغیر عنوان می‌کنند، اما همواره باید در نظر داشت که بهترین ارزیابی در مورد عمر مفید آن در نظرگرفته شود تا محاسبه منافع اقتصادی به اعداد واقعی منجر شود.

این روش محاسبه بسیار ساده و قابل پیش‌بینی است و برای کسب‌وکارهایی مناسب است که منافع سرقفلی آنها در دوره‌های مشخصی به دست می‌آید. اما در عین حال ممکن است ارزش واقعی سرقفلی مشخص نشود و در زمان تغییرات شدید در بازار بیانگر ارزش واقعی سرقفلی نباشد.



روش کاهش ارزش سرقفلی Goodwill Impairment

در این روش به جای آنکه برای سرقفلی یک روند کاهش ارزش در نظر گرفته شود، هر بار آن را محاسبه می‌کنند. این محاسبه به صورت منظم و حداقل یک‌بار در سال انجام می‌شود. اگر ارزش شرکت یا ملک از ارزش دفتری کمتر باشد باید ارزش دفتری سرقفلی کاهش یابد.

کاهش ارزش سرقفلی فرایندی است که سه مرحله اصلی دارد. ابتدا واحد مولد وجه نقد شناسایی می‌شود. یعنی بخشی یا واحدی از شرکت یا ملک تجاری که سرقفلی به آن اختصاص دارد، شناسایی می‌شود تا منافع اقتصادی مربوط به آن شناسایی و بررسی شوند. سپس ارزش دفتری سرقفلی با ارزش واقعی و منصفانه آن مقایسه می‌شود تا میزان کاهش ارزش سرقفلی مشخص شود. اگر کاهش ارزش تأیید شود، این مبلغ به عنوان هزینه در صورت سود و زیان ثبت می‌شود.

این فرایند به بهبود دقت در صورت‌های مالی و حسابداری سرقفلی کمک می‌کند و امکان تصمیم‌گیری دقیق‌تر و آگاهانه‌تری را برای مدیران و سرمایه‌گذاران کسب‌وکار فراهم می‌آورد. در این روش می‌توان ارزش واقعی سرقفلی را به دست آورد و انعطاف‌پذیری بیشتری در مدیریت دارایی به وجود آورد. اما از سوی دیگر فرایند ارزیابی پیچیده و هزینه‌بری دارد که نیازمند افراد متخصص و کارشناسان مالی و روش‌های ارزش‌گذاری پیشرفته در امور حسابداری و مالی است.

سخن پایانی

سرقفلی یک دارایی نامشهود در حسابداری است که فراتر از دارایی‌های مادی یک واحد تجاری است و منافع اقتصادی یک شرکت را به جز دارایی‌های مشهود آن منعکس می‌کند. فرمول حسابداری سرقفلی عبارت است از تقسیم مازاد قیمت پرداختی برای یک شرکت بر ارزش دفتری دارایی‌های قابل شناسایی آن.

عواملی که بر روی سرقفلی شرکت تأثیر می‌گذارند عبارتند از محل و موقعیت جغرافیایی شرکت، شهرت تجاری، مدیریت موفق و کارکنان خبره، انحصاری بودن محصولات، اثربخشی آگهی و تبلیغات، اخذ علائم تجاری و امتیازات مؤثر در جذب بیشتر مشتریان و کسب رضایت آنها.

سرقفلی شرکت تأثیر زیادی بر شرایط فعلی و آینده آن دارد که عبارتند از: افزایش اعتماد مشتریان، ارزش برند، سهم بازار، روابط با سرمایه‌گذاران و جذب سرمایه و افزایش سهام. تمامی این فاکتورها در افزایش ارزش و سودآوری بیشتر شرکت نقش دارند و مزیت‌های یک کسب‌وکار موفق به شمار می‌روند. سرقفلی به شرکت قدرت بیشتری در رقابت می‌دهد و تأثیر مثبت بر عملکرد مالی و سودآوری دارد. حسابداری سرقفلی در صورت‌های مالی ذکر می‌شود و به صورت منظم و در بازه زمانی یک‌ساله انجام می‌شود تا در ترازنامه ثبت شود.